

## شمشیر نور

### پژوهشی کوتاه پیرامون تعلیمات استاد ایرانی تبار اقبال لاهوری

دکتر عباس کی منش

عضو هیأت علمی دانشکده‌ی ادبیات

و علوم انسانی دانشگاه تهران

#### □ افکار و عقاید سید میر حسن

سید میر حسن چشم و چراغ خاندان سادات بود در شبه قاره. چه زندگانی خود را الگوی واقعی سنت رسول خدا قرار داده، زیرا نابغه‌ای چون اقبال لاهوری در حق آن بزرگ می‌گوید که در همه‌ی زندگی خود تنها سید میر حسن را در اجرای دقیق سنت پیامبر خدا دیده است. (جاویدان اقبال، ج ۱، ص ۱۴۷)

آری! آن نور محمدی (ص) معتقد بود که کودک باید با کلمات طیبیه به سخن گفتن زبان گشاید و این رسمی بود در شبه قاره که چون کودکی به سن چهار سال و چهار ماه و چهار روز می‌رسید لازم می‌نمود که افراد خانواده جمع شوند و هر یک هدیه‌ای فرآور به کودک دهند و آنگاه رسم «بسم الله خوانی» انجام گیرد. کودک از روی لوحی که رویش «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده بود در حضور مهمانان کلمه «بسم الله» را می‌خواند. سپس آموزش‌های بعدی برای کودک آغاز می‌شد. (جاویدان اقبال، ص ۱۱۴)

سید میر حسن فریضه‌ی پنجگانه را به موقع ادا می‌کرد و از فیض نماز نیمه شب نیز هر گز باز نمی‌ایستاد. میرحسن اسوه واقعی اخلاق محمدی بود و انسانی با تقوی و در زهد و ورع بی‌همتای در عصر خود. (روزگار فقیر، ۲۰۶)

#### کتبی درسی متداول

برخی از کتبی که در حوزه‌های علمی شبه قاره پس از آموزش قرآن کریم تدریس می‌شد، عبارت بود از گلستان و بوستان سعدی، دیوان حافظ، اسکندرنامه‌ی نظامی، یوسف وزلیخای جامی، انوار سهیلی و نظایر این آثار که میر حسن شروع به تعلیم اقبال بدان اسرار و آثار کرد.

#### شیوه تدریس سید میر حسن

میرحسین بدان روزگار که در مدرسه اسکاج میشن تدریس می‌کرد ناگزیر بود که الفبای فارسی را به دانش آموزان تعلیم دهد.

روزی الفبا را در روی تخته سیاه نوشت، از دانش آموزی پرسید که (ل) کدام است؟ او انگشت بر روی (ق) نهاد. بعد پرسید که (م) کدام است؟ او انگشت بر روی (ی) نهاد. مولانا میر حسن گفت: به به! شاباش! پرسیدندش که این چه هنگام شاباش و تحسین است؟ گفت همین که او می‌داند که: م، ل، ق، ی حروف فارسی اند، بسیار مهم است. لاقلاً چیز دیگری نگفت، و تشخیص داد که اینها، حروف یعنی الفبای فارسی اند.

میر حسن وقتی یک بیت از شعر فارسی و یا عربی را قرائت می‌کرد، آنرا به فارسی معنی می‌نمود و در شرح و تفسیر آن در می‌ایستاد. آنگاه ابیاتی از اشعار پنجابی و اردو از مترادفات آن بیت بر می‌خواند، تا موضوع بیشتر و بهتر مرکز ذهن دانش پژوهان گردد و این شیوه را نیز در تدریس اقبال پیش نظر داشت. (ذکر اقبال، ص ۲۷۴) نکته اینجاست که میر حسن صدها بیت، از اشعار فارسی، اردو، پنجابی و عربی در خاطر سپرده و قادر به استفاده‌ی آن در هنگام لزوم بود. این شیوه‌ی تدریس، روز به روز این نوجوان باهوش و مستعد را علاقمندتر و دلگرم‌تر در فراگیری زبان فارسی و حتی عربی و زبانهای دیگر می‌کرد.

در آغاز اقبال نزد میر حسن در خانه او درس می‌خواند. بعد از آن که میرحسن در دانشکده‌ی اسکاج میشن به عنوان استاد پذیرفته شد، اقبال هم به دنبال آن نحله نور بدانجا رفت و در شمار دانش آموزان میرحسن درآمد.

سید میر حسن تنها تدریس نمی‌کرد بلکه ساعت‌ها به مطالعه آثار فارسی و عربی و اردو و پنجابی خاطر خوش می‌داشت.

بعد از آنکه اقبال برای ادامه‌ی تحصیل از سیالکوت به لاهور آمد، در تعطیلات به سیالکوت باز می‌گشت و اشکالات خود را از میر حسن می‌پرسید و او نیز به پرسشهای اقبال به دقت و به سرانگشت هوشیاری و دانایی و برازندگی پاسخ می‌داد و نکات تاریک روشن می‌نمود.

میر حسن کتابهای زیادی در اختیار داشت و اگر هم کتابی می خواست و استطاعت خرید آن را در خود نمی دید آن را رونویسی می کرد، چه هنگامی که اقبال در دانشکده ی گورنمنت کالج لاهور درس خود را تمام کرد و ادامه ی تحصیل را به انگلستان و آلمان رفت و تفکر غربی را آرمود و به لاهور برگشت در همین دانشکده ی گورنمنت و دانشگاه پنجاب به سمت استادی استخدام شد و به تدریس فلسفه همت گماشت. روزی به سیالکوت نزد میر حسن رفت، در حالی که میر حسن کتاب نجوم القرآن را رونویسی می کرد. اقبال، علت رونویسی را پرسید، میر حسن گفت: قیمت این کتاب ۲۶ روپیه است و مرا بضاعت اندک است و قدرت خرید آن نیست (جاویدان اقبال، ج ۱، ص ۲۱۰) آری! چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار (عنصری، دیوان، دکتر دبیر سیاقی، ۱۶۱)

### مذهب سید میر حسن

با اینکه میر حسن از خاندان رسالت و ولایت بود تا آخر عمر به گونه ای زیست که درک مذهب او کسی را دستگیر نشد. هر کس از مذهب او می پرسید، پاسخ می داد که من مسلمانم. این وسعت مشرب سبب شد که صاحبان و پیروان همه ی فرقه ها، نه تنها فرق مختلف اسلامی، بلکه هندوها، بودایی ها، سیک ها و سایر نحله ها نسبت بدو احترام خاصی قایل شوند تا آنجا که وقتی وفات یافت صاحبان ادیان و مذاهب مختلف مثلاً هندوها، سیک ها، عیسویان و... بر آن بودند که مراسم وفات او را با آداب خود برگزار کنند (دائرة المعارف اسلامی، ج ۲۱، ص ۹۳۵۹۳۳).

### احترام متقابل دانش پوهان و استاد سید میر حسن

شاگردان میر حسن از هر طبقه و از هر مذهب و دینی بودند، اما چشمان نافذ و گیرای میر حسن و عظمت علمی و شیوه تدریس و اخلاص و تقوی و ایمان او به اندازه ای شاگردان را مجذوب کرده بود، که آنان کفش استاد را پیش پای او می نهادند و او نیز سخت آزرده می شد و خود کفش را به حالت اول باز می گردانید و آنگاه می پوشید. وقتی شاگردان با میر حسن ملاقات می کردند، هنگام مرخص شدن از حضورش پشت بدو نمی کردند. و او از این کار دانش آموختگان خرسند نبود. (ذکر اقبال، ص ۴۷)

### درس استغنا

میر حسن مردی بود بسیار ساده و آراسته به فضایل عالی

اخلاقی، در کمال استغنا؛ آن گونه که زبینه ی خاندان رسالت و ولایت است. نوشته اند که اقبال بارها اظهار داشته بود که درس استغنا را از استادش سید میر حسن آموخته است. چنان که جاوید اقبال این نکته را خاطر نشان کرده می نویسد: اقبال سادگی و بی نیازی را از استادش میر حسن به ارث داشت. (جاویدان اقبال، ج ۱، ص ۱۳۲) موضوع دیگر عدم پذیرش لقب شمس العلماء است از سوی میر حسن که در صفحه ی دیگر مذکور خواهد افتاد.

### اخلاق سید میر حسن

سید میر حسن صبح ها بعد از نماز برای فاتحه به قبرستان ها می رفت و شاگردانش او را در رفتن به گورستان همراهی می کردند و در مسیر راه هم از او چیزهایی یاد می گرفتند. (جاویدان اقبال، ج ۱، ص ۱۳۱) چون بر می گشت بر کرسی تدریس می نشست و افاضه می نمود.

میر حسن را با قرآن انس در فطرت بود، چرا که از تبار نور بود و کلام ربّانی وی را ملکه ی نفسانی. میر حسن در تهجد، پاره ای از سی پاره ی قرآن را از بر می خواند. آن بزرگ معلمان اخلاق تا پایان عمر هرگز از نماز باز نماند.

میر حسن انسانی بود متواضع که در نهایت سادگی و متانت و وقار می زیست. بزرگ منشی او زبانزد همگان بود. شخصیتی بود باهوش سرشار و حافظه ی بسیار. آنچه را که فرا گرفته بود هرگز فراموش نمی کرد. انسانی بود وسیع المشرب، با همه ی طبقات سلوکی داشت به مهربانی و انس و الفت. چه صوفی، چه ادیب، و چه صاحبان ادیان، و مذاهب مختلف. با همگان رفتاری مؤدبانه و آمیخته به احترام داشت.

### تربیت یافتگان میر حسن

در رأس همه ی شاگردان میر حسن دو تن به شهرت جهانی دست یافته اند، یکی فیض احمد فیض (کالا قادر در اطراف ناروال، ۱۹۱۱ لاهور ۱۹۸۴م) که بعد از غالب دهلوی و اقبال لاهوری بزرگترین شاعر زبان اردو (ریخته) شمرده می شود. وی در اتحاد جماهیر شوروی سابق از احترام ویژه ای برخوردار است. فیض احمد در سال ۱۹۵۱ میلادی در شورش راولپندی متهم شد و چهار سال زندانی گردید. (دلها یکی است، ص ۲۴). و آن دیگر علامه محمد اقبال لاهوری که شهرتش سایه بر کرانه های آفاق گسترده است.

■ (بقیه در شماره ی بعد)